

۲۸۴ - ای ستمدیدگان راه یزدان عوانان دست تطاول گشودند و ستمکاران قوت بازو نمودند گمان کنند و رای زنند که این بلایا توهین احباء الله و تعذیب امناء الله و تضييع امر الله است فبئس ما هم یظنون قسم بنور نیر اعظم که این عذاب شهد عذب است و این بلا موهبت کبری و این حنظل عسل مصفا این توهین تعظیم است و این تعذیب تکریم و این تحقیر توقیر و این تضييع تأیید ایام بگذرد و عمر گرانمایه منتهی گردد و چون شام اجل در رسد و صبح آخرت بدمد جمیع راحتها مشقت گردد و همه سودها زیان شود مگر بلایای یاران و مصائب مظلومان و صدمات ستمدیدگان که در بازار امکان با حضرت جانان سر و سودا داشتند و سود بیکران بردند و ربح عظیم یافتند و عزت قدیم دیدند و ناز و نعیم جستند و با رخی چون مه تابان از افق ملکوت دمیدند فطوبی لهم و حسن المآب قوت ملکوت ابهی قلب ماهیت نماید و تبدیل و تجدید حقیقت کند ذلت ابرار را عزت پایدار کند و حرقت اختیار را لطافت گلشن اسرار علقم تلخ را شکر شیرین نماید و شبلم فقر را یم عظیم ظلمت آلام را انوار افق اعلی نماید و مشقت محض را راحت ملکوت ابهی پس شکر جمال قدیم را که چنین فوز عظیم میسر فرمود و حمد رب کریم را که چنین نعیم جلیل مقرر داشت طوبی لكم من هذا الفضل العظیم